

علم اصول، نیازمند بازبینی در ساختار

حجتالاسلام والمسلمین جعفر سماوات

علم اصول، منحصر در فقه و تنها از آن فقه نیست. ظرفیت علم اصول، به اندازه‌ای است که در حوزه علوم انسانی می‌تواند زمینه ارائه پاسخ‌های روشمند به هرگونه سؤال و رفع ابهام از هر پیچیدگی را بر اساس رویکردی تعقلی و استنباطی و اجتهادی فراهم آورد. علم اصول، ابزار دقیق فهم دین و منطق فقه است. این دانش، همچون علم منطق، در حکم ملاک و معیاری است که پژوهشگر حوزوی را در سیر فهم دین، یاری می‌کند و مراعات قواعد آن، او را از خطاهای احتمالی مصون می‌سازد؛ از این روی، و با توجه به جایگاه رفیع این علم، باید با عزمی جازم و با هم‌اندیشی و تعامل همه اندیشمندان حوزوی، با نگاهی تحول‌گرا بر ساختارهای علم اصول، در راستای کاربردی شدن آن در دیگر مسائل غیر از فقه، حرکت نمود.

ارائه پاسخ‌های دینی و راه‌حل‌های مناسب به شبهات علمی، فقط در پرتو استنباط و اجتهاد دینی روشمند میسر خواهد شد و اجتهاد در دین، نیز از مسیر و معبر علم اصول میسر است. به کارگیری دانش اصول در همه ابعاد نظری دین، می‌تواند عقلانیت در دین را شکوفاتر کند؛ گرچه اکنون به‌طور ضمنی به کار گرفته می‌شود.

هرچند دانش اصول، در حال حاضر به رشد رسیده و انسجام یافته، اما همچنان می‌توان پیشنهادهایی را برای بهبود بیش از پیش این دانش و کاراتر شدن آن، ارائه کرد. علم اصول نیازمند بازبینی در ساختار است. به نظر می‌رسد که گاه نظم منطقی مطلوب، به درستی رعایت نشده است؛ از این رو در برخی آثار اصولی، شاهد خلط مسائل عقلی و نقلی با یکدیگر هستیم؛ از سوی دیگر، گاهی مباحثی در این علم مطرح می‌گردد که جزء موضوعات و مسائل آن نیست و از سوی دیگر، جای طرح مسائل مهم و پُرارتباطی در علم اصول خالی است. البته عجین شدن مسایل اعتباری و تکوینی نیز نگرانی و دغدغه دیگری است.

فقه سنتی و جواهری، که حفظ، استمرار و پویایی آن لازم است، سنتی اصیل در حوزه‌های علمیه بوده است. علم اصول، در دامن فقه به عنوان ابزار اجتهاد و فقاها، رشد یافته و منزلت و ارزش پیدا کرده است؛ بدین لحاظ، در اختیار داشتن اصولی قوی و کاربردی، از ارکان فقه‌ای استوار است.

برخی از طلاب حوزه‌های علمیه که مجتهد شدن در دین را هدف خود قرار نداده‌اند، به این دلیل که گمان کرده‌اند علم اصول، تنها در فرایند اجتهاد و فقاها به کار می‌آید، از مطالعه دقیق و عمیق آن روی گردانده‌اند؛ در حالی که این، گمانی نادرست است و علم اصول، در سرتاسر علوم انسانی و علوم اسلامی و نیازهایی چون فهم عمیق کتاب و سنت، کاربردهایی بی‌بدیل دارد؛ همچنان که در این شماره به تفصیل بدان پرداخته شده است. دو حیثیت عمده دانش اصول که همواره باید مورد توجه قرار گیرد، یکی ظرفیت عمده در فهم صحیح و دیگری ظرفیت عمده در سامان دادن به قوانین و بایدها و نبایدهاست. قدر، اندازه و هندسه اصول در نظام فکری و قانونی، تأثیر بسزایی دارد و امید است از ظرفیت، به فعلیت درآید.

فقه‌های شیعه در قرون نخستین، بنای این علم را بر اساس مبانی و رویکردهای صحیح اسلامی بنا نهادند. علم اصول، در دوره‌های بعدی، توسط بزرگانی نظیر کاشف‌الغطاء، میرزای قمی و شیخ انصاری، به مرحله شکوفایی خود رسید و علمایی؛ همچون آقا ضیاء، آیت‌الله بروجردي و حضرت امام خمینی(ره)، این دانش را به اوج خود رساندند. اکنون زمان ارتقای جایگاه این علم فرارسیده است؛ از این رو، مجاهدت علمی هر

کدام از اندیشمندان، صاحب نظران و فضاي حوزه علميه مي تواند در آينده علم اصول، مؤثر افتد.

نشريه محفل نيز تلاش دارد تا جاي ممکن، زمينه اين تحوّل را در حوزه علميه تهران، فراهم آورد. معاونت پژوهش استان، پانزدهمين شماره محفل را با که با همت و تلاش هيئت تحريريه، به ويژه جناب آقاي حسين زحمتکش، سردبير و جناب آقاي سيد علي شمسي، دبير تحريريه، اساتيد، فضلا و طلاب مدارس علميه استان تهران منتشر مي گردد، به بررسي و بحث پيرامون جايگاه، مباني، فلسفه و معرفت شناسي علم اصول، کاربردها و اهداف آن، تاريخ منابع معرفتي علم اصول، و ارتباط و تعامل علم اصول با ديگر دانش ها، و دانش هاي زباني اختصاص داده است. بي ترديد، طرح مباحثي اين چنين در حوزه هاي علميه، مي تواند بر وضوح يافتن جايگاه رفيع اين علم در فرآيند آموزش علوم اسلامي در حوزه هاي علميه بيفزايد و زمينه تقويت انگيزه طلاب علوم ديني را براي مطالعه عميق و جدي انگاشتن آن، ارتقاء بخشد.

در اين جا از همه طلاب، اساتيد و فضاي محترم حوزه علميه استان تهران، دعوت مي کنم تا ضمن مطالعه دقيق پانزدهمين شماره محفل، براي شماره آتي، آثار خود را در رابطه با هر کدام از گزاره ها و مسائل علم اصول و دانش هاي زباني، در تعامل با دبیرخانه منشورات معاونت پژوهش استان، به دفتر نشریه ارسال نمایند.